

# آتیه‌ی حقوق بین‌الملل در آینه‌ی خروج بریتانیا از اتحادیه‌ی اروپا<sup>۱</sup>

سیدعلی حسینی آزاد<sup>۲</sup>

مهشید آجلی لاهیجی<sup>۳</sup>

مجید زحمتکش<sup>۴</sup>

## چکیده

بریتانیا در پی رفراندومی سرنوشت‌ساز در ژوئن ۲۰۱۶، سرانجام تصمیم قطعی به خروج از اتحادیه‌ی اروپا گرفت و این تصمیم در واپسین روزهای مارس ۲۰۱۷ به اتحادیه‌ی اروپا اعلام شد. بدون تردید، جدایی بریتانیا از اتحادیه‌ی اروپایی تأثیرات عمده‌ای در ابعاد سیاسی، حقوقی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را در داخل سرزمین‌های هریک از طرفین، روابط آنها با یکدیگر و با سایر دولت‌های جهان خواهد گذاشت و قطعاً این جدایی اثر عمیقی بر نظم حقوقی بین‌المللی خواهد داشت که گریز از آن میسر نیست. این مقاله با هدف بررسی مسأله‌ی حقوقی ناشی از این جدایی، بر آن است که تبعات و پیامدهای حقوقی خروج بریتانیا از اتحادیه‌ی اروپا را بر حقوق بین‌الملل به بررسی نهد. روشن است که جدایی بریتانیا از اتحادیه‌ی اروپا شاخه‌های مختلف حقوق بشر، حمایت از محیط زیست و حقوق حاکم بر آن، حقوق سرمایه‌گذاری و بازار مشترک اروپایی و قراردادهای تجاری را تحت الشعاع قرار می‌دهد و همچنین این جدایی از نقطه نظر هنجارسازی و قانونمندی نیز تعهدات قراردادی اتحادیه‌ی اروپا را دچار دگرگونی می‌کند و در نهایت به نظر می‌رسد خروج بریتانیا از اتحادیه‌ی اروپا تأثیرات قابل توجهی بر جامعه جهانی و حقوق بین‌الملل بطور کل داشته باشد.

**واژگان کلیدی:** بریتانیا، برگزیت، اتحادیه‌ی اروپایی، حقوق بین‌الملل

---

۱- تاریخ دریافت مقاله ۹۷/۱۲/۱۹، تاریخ پذیرش مقاله ۱۳۹۹/۰۸/۲۰.....

۲- دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی، نویسنده مسئول:

Saha\_110@yahoo.co.uk

۳- دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی

۴- دکترای تخصصی در حقوق بین‌الملل، پژوهشگر حقوق بین‌الملل و قاضی دادگستری

## درآمد

بریتانیا، با نام رسمی پادشاهی متحده بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی<sup>۱</sup> از اتحاد چهار پادشاهی انگلستان، ولز، اسکاتلند و ایرلند شمالی شکل می‌گیرد که بازماندگان بزرگترین امپراطوری تاریخ هستند. هر یک از سه کشور متحد دارای دولت محلی جدای از لندن و دارای پرچم و نظام حقوقی مختص به خود هستند، اما سه کشور متحد تحت حکومت لندن بوده و از نظر بین المللی هر چهار کشور تحت عنوان پادشاهی متحده بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی ظهور می‌یابند. پادشاهی انگلستان که ابتدائاً تنها انگیس و ولز را شامل می‌شد به موجب معاهده اتحاد<sup>۲</sup> در سال ۱۷۰۷ با پادشاهی اسکاتلند متحد شده و تشکیل بریتانیای کبیر را دادند<sup>۳</sup> و به موجب قانون اتحاد در سال ۱۸۰۱ پادشاهی بریتانیای کبیر و پادشاهی ایرلند با هم متحد شده و پادشاهی متحده بریتانیای کبیر و ایرلند را پایه گذاشتند<sup>۴</sup> که در سال ۱۹۲۱ بخش جنوبی ایرلند از این اتحاد جدا شد و بخش جنوبی ایرلند (جمهوری ایرلند) از پادشاهی متحده جدا و مستقل شد.

بریتانیا با این خصوصیات، یکی از قدرتمندترین و تأثیرگذارترین عضو از ۲۸ عضو<sup>۵</sup> اتحادیه اروپا است که از سال ۱۹۷۳ عضو جوامع اروپایی و بعد اتحادیه اروپایی بوده است. اما در سال‌های اخیر مباحثاتی پیرامون خروج از اتحادیه در بریتانیا شکل گرفت که عمده استدلال موافقان خروج آن بوده است که ۴ دهه همراهی با اتحادیه اروپا نه تنها سودی برای این کشور نداشته که سراسر هزینه و زیان بوده است. تا اینکه سرانجام در ۲۳ ژوئن ۲۰۱۶ مصادف با ۳ تیر ۱۳۹۵

1- United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland (UK)

2-Treaty of Union was passed by both the English and Scottish parliaments and came into force on 1 May 1707

3-Act of Union 1707, passed by the English and Scottish Parliaments in 1707

4-The Act of Union, (Jan. 1, 1801), legislative agreement uniting Great Britain (England and Scotland) and Ireland

۵-کشورهای عضو اتحادیه اروپایی عبارتند از: (۱) اتریش؛ (۲) بلژیک؛ (۳) بلغارستان؛ (۴) کرواسی؛ (۵) قبرس؛ (۶) جمهوری چک؛ (۷) دانمارک؛ (۸) استونی؛ (۹) فنلاند؛ (۱۰) فرانسه؛ (۱۱) آلمان؛ (۱۲) یونان؛ (۱۳) مجارستان؛ (۱۴) جمهوری ایرلند؛ (۱۵) ایتالیا؛ (۱۶) لتونی؛ (۱۷) لیتوانی؛ (۱۸) لوگزامبورگ؛ (۱۹) مالتا؛ (۲۰) هلند؛ (۲۱) لهستان؛ (۲۲) پرتغال؛ (۲۳) رومانی؛ (۲۴) اسلواکی؛ (۲۵) اسلونی؛ (۲۶) اسپانیا؛ (۲۷) سوئد؛ و (۲۸) بریتانیا.

Officila website of European Union: [https://europa.eu/european-union/about-eu/countries/member-countries\\_en](https://europa.eu/european-union/about-eu/countries/member-countries_en) (last viseted on: 15/08/2018)

فراندومی در تمام سرزمین بریتانیای کبیر برگزار شد و مسأله ماندن در اتحادیه یا خروج از آن به رأی عمومی سپرده شد<sup>۱</sup> و در نهایت خروج از اتحادیه با اکثریت ۵۱/۸۹ درصد آراء، پیروز فراندوم شد و با تصویب طرح خروج در پارلمان، فرآیند خروج جدی‌تر شد. اما برای اینکه فرآیند خروج تکمیل شود، زمانی حدود دو سال سپری خواهد شد. خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا (برگزیت<sup>۲</sup>) آثار قابل توجهی در ابعاد سیاسی، حقوقی، اقتصادی و زیست محیطی بر هر یک از دو طرف و روابط آنها با یگدیگر و با دیگر دولت‌ها خواهد گذاشت که این مقاله در صدد است از نقطه نظر حقوق بین الملل به موضوع بنگرد و نتایج قابل پیش‌بینی که این خروج در بعد حقوقی بین المللی در پی خواهد داشت را برجسته نماید. نگاه مقاله منحصر به روابط بریتانیا با اتحادیه اروپا نبوده و سعی دارد آثار و تبعات خروج بریتانیا را بر حقوق بین الملل عام و جامعه جهانی بطور کل نیز بررسی نماید. ضمن اینکه نباید فراموش کرد که تأثیرات این خروج بر تعهدات حقوق بشری یا زیست محیطی که در چارچوب اتحادیه اروپا ایجاد شده است، هر چند منشأ تعهد آن اتحادیه اروپا است اما در تحلیل نهایی، جامعه جهانی و حقوق بین الملل در کل را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین، سؤال اصلی این مقاله این است که خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا از حیث حقوق بین الملل چه نتایجی را به دنبال خواهد داشت و تأثیرات قابل پیش‌بینی آن بر نظم آتی جامعه بین المللی و بخصوص روابط بریتانیا و اتحادیه اروپا چه خواهد بود. فرضیه ای که بدو در پاسخ به این مسأله طرح می‌شود این است که خروج بریتانیا

۱-سوال اینگونه طرح شده بود:

Should the United Kingdom remain a member of the European Union or leave the European Union?

و رأی دهندگان باید یکی از دو گزینه زیر را انتخاب می‌کردند:

- Remain a member of the European Union
- Leave the European Union

۲-عبارت برگزیت (Brexit) در واقع از ترکیب دو واژه بریتیش اگزیت (British exit) شکل یافته و برای اولین بار توسط پیتر ولدینگ (Peter Wilding) در مقاله ای که راجع به خروج احتمالی بریتانیا در سال ۲۰۱۲ نگاشته بود به کار برده شد.

See: Peter Wilding, "Stumbling towards the Brexit-EU opinion & policy debates – across languages" BlogActiv.eu. Retrieved 22 July 2016

از اتحادیه اروپا بعنوان یکی از برجسته‌ترین اعضای اتحادیه اروپا و در عین حال، جامعه جهانی تأثیرات عمیقی را در نوع و میزان تعهدات بین‌المللی در حوزه‌هایی نظیر حقوق بشر، حقوق محیط زیست، سرمایه‌گذاری و حقوق تجاری بین‌المللی و همچنین بر نظم و نگرش سازمانی حقوق بین‌الملل خواهد داشت.<sup>۱</sup>

## ۱- نگاهی به اتحادیه اروپا و مقررات راجع به خروج ۱.۱- مطالعه مختصر حقوق اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپایی<sup>۲</sup> یا اتحادیه اروپا یک اتحادیه منحصر بفرد اقتصادی و سیاسی است که در واقع جانشین جوامع اروپایی<sup>۳</sup> شده است که خود متشکل از سه سازمان به نام‌های جامعه اروپایی زغالسنگ و فولاد، جامعه اقتصادی اروپا<sup>۴</sup> و جامعه اتمی اروپا بود (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۱: ۲۳۷) که بر مبنای ایده و طرح وحدت اروپا یا آرمان اروپای واحد شکل می‌گرفت.

۱- خالی از فایده نخواهد بود که در اینجا به ادبیات حقوقی موجود نیز اشاره بشود. با شروع مباحث پیرامون برگزیت و بخصوص از سال ۲۰۱۶ به بعد، ادبیات حقوقی در خصوص موضوع به شدت افزایش یافت و در این رابطه مقالات و کتب متعددی نگاشته شد که بخصوص در میان دانشگاهیان اروپایی انجام گرفت. چند مورد از مهم‌ترین این تحقیقات در ادبیات حقوقی خارجی عبارتند از:

MacShane, Denis (2017), *Brexit, No Exit: Why (in the End) Britain Won't Leave Europe*, London & New York: I.B.Tauris; Froggatt, Antony (May 2016), "Thomas Raines and Shane Tomlinson, UK Unplugged? The Impacts of Brexit on Energy and Climate Policy", *Europe Programme & Energy, Environment & Resources Department*; Adam, Rudolf G. (2020), *Brexit: Causes and Consequences*, Springer; Troitiño, David R. , Tanel Kerikmäe, Archil Chochia (2018), *Brexit: History, Reasoning and Perspectives*, Springer International Publishing; and Martill, Benjamin, Uta Staiger (eds.) (2018), *Brexit and Beyond: Rethinking the Futures of Europe*, UCL Press

از حیث داخلی نیز مطالبی در خصوص خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا در میان دانشگاهیان نگاشته شده است که عمدتاً از بعد سیاسی به موضوع نگاه شده است اما یکی از مهمترین مطالب صرفاً حقوقی مقاله زیر است: ملت، محمدرضا و عبدالله عابدینی (۱۳۹۶)، «آثار حقوقی بین‌المللی خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، دوره ۴۷، شماره ۲، صص. ۴۷۹ - ۴۸۹.

2-European Union (EU)

3-European Communities (EC)

4-European Economic Community (EEC)

جهت تحقق وحدت اروپا در ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی و غیره در سال‌های بعد از تشکیل جامعه اقتصادی اروپا کوشش‌های زیادی از طرف دولت‌های عضو صورت گرفت. در این راستا در تاریخ ۹ و ۱۰ دسامبر ۱۹۹۱، کنفرانسی در شهر ماستریخت<sup>۱</sup> هلند برگزار شد که منجر به انعقاد عهدنامه‌ای گردید که در فوریه ۱۹۹۲ تحت عنوان معاهده اتحادیه اروپایی<sup>۲</sup> به امضا رسید و نام جامعه اقتصادی اروپا به اتحادیه اروپایی تغییر یافت.<sup>۳</sup> این معاهده از اول نوامبر ۱۹۹۳ به اجرا درآمد. (موسی زاده، ۱۳۸۸: ۳۰۱) معاهده دیگری که برای اتحادیه نقش هسته‌ای و مهم دارد، معاهده کارکرد اتحادیه اروپایی<sup>۴</sup> مصوب ۲۰۰۷ است که نسخه اصلی آن در رم به سال ۱۹۵۷ بعنوان معاهده مؤسس جامعه اقتصادی اروپایی تصویب شد.

اتحادیه اروپا دارای شخصیت حقوقی جدای از اعضا بوده و صاحب پرچم، سرود ملی و واحد پول مستقل می‌باشد. این اتحادیه بازار واحد اقتصادی را پایه‌گذاری کرده است و در کشورهای عضو معاهده شنگن مرزها برای رفت و آمد تقریباً به کلی برداشته شده است. اتحادیه اروپا بر مبنای حاکمیت قانون اداره می‌شود و تمام تصمیمات بصورت داوطلبانه و دموکراتیک و با مشارکت کشورهای عضو انجام می‌گیرد.<sup>۵</sup> پارلمان اروپا نقش اصلی در قانونگذاری اتحادیه را بازی می‌کند و تصمیمات اتحادیه اروپا برای اعضا ایجاد الزام می‌کند. مصوبات اتحادیه اروپا در دو قالب مقررات<sup>۶</sup> و دستورالعمل‌ها<sup>۷</sup> می‌تواند حالت الزام‌آور داشته باشد. دسته نخست بدون اینکه نیاز به تصویب توسط مقامات داخلی داشته باشند بطور خودکار و خودبخود برای دولتهای عضو الزام‌آور هستند، اما دسته دوم مصوبات، برای اینکه

---

1-Maastricht

2-Treaty on European Union

3-Official website of European Union: [https://europa.eu/european-union/about-eu/eu-in-brief\\_en](https://europa.eu/european-union/about-eu/eu-in-brief_en) (last visited on: 16/08/2018)

4-Treaty on the Functioning of the European Union

5-Official website of European Union: [https://europa.eu/european-union/about-eu/eu-in-brief\\_en](https://europa.eu/european-union/about-eu/eu-in-brief_en) (last visited on: 20/08/2018)

6-Regulations

7-Directives

نسبت به اعضا ایجاد الزام کنند بایستی توسط مقام صلاحیت دار داخلی به تصویب برسد. دیگر اشکال مصوبات اتحادیه عبارتند از تصمیمات<sup>۱</sup>، که فقط برای اعضای که تصمیم خطاب به او اتخاذ شده است الزام آور است؛ و توصیه نامه ها<sup>۲</sup> و نظریه ها<sup>۳</sup> که هیچ یک حالت الزام آور ندارند. (Borchardt, 2010: 88)

## ۲-۱. روند خروج بریتانیا

معاهدات مؤسس اتحادیه اروپا به صراحت به مقوله خروج یک عضو پرداخته اند. به موجب ماده ۵۰ معاهده اتحادیه اروپا:<sup>۴</sup>

«۱- هر دولت عضو می تواند به موجب الزامات اساسی خود تصمیم به کناره گیری از اتحادیه بگیرد.

۲- دولتی که تصمیم به خروج دارد بایستی شورای اروپایی را از تصمیم خود مطلع سازد. در پرتو رهنمون های شورای اروپایی، اتحادیه اقدام به مذاکره و انعقاد موافقت نامه ای با دولت مزبور خواهد کرد که ترتیبات کناره گیری را بیان می دارد و چارچوبی برای روابط فی مابین آتیه آن دولت با اتحادیه می باشد. این موافقت نامه در راستای بند ۳ ماده ۲۱۸ معاهده کارکرد اتحادیه اروپا تنظیم می شود. این موافقت نامه به نام اتحادیه و توسط شورا و پس از کسب اکثریت لازم و اخذ رضایت پارلمان اروپا منعقد می شود.

۳- عهدنامه ها نسبت به دولت مزبور از تاریخ لازم الاجرا شدن این موافقت نامه یا پس از گذشت دو سال از اعلام موضوع بند ۲ متوقف می شود، مگر اینکه شورای اروپایی با موافقت دولت عضو ذیربط به اتفاق آراء تصمیم به تمدید این مهلت بگیرند.

۵- چنانچه دولتی که از اتحادیه کناره گیری نموده است خواهان بازگشت باشد، درخواست او تابع فرآیند پذیرش عضو طبق ماده ۴۹ خواهد بود.»

1-Decisions

2-Recommendations

3-Opinions

4-the text is available at

<http://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/?uri=celex%3A12012M%2FTXT>

(last visited on: 20/08/2018)

به موجب بند اول ماده مزبور، روشن است که در نظام اتحادیه اروپا، تصمیم به خروج ماهیتی کاملاً یکجانبه داشته و منحصرأ به دولت خواهان خروج تعلق دارد و نیازمند هیچ‌گونه تأییدی از جانب دیگر اعضا نیست. حتی این امر نیازمند ارائه توجیه و دلیل نیز نمی‌باشد. این تصمیم توسط دولت ذیربط و صرفاً «طبق الزامات قانون اساسی او» اتخاذ خواهد شد. مقرر به بند دوم راجع به امکان مذاکره برای انعقاد یک معاهده خروج نیز ماهیتی اختیاری دارد؛ که اگر محقق شود، تاریخ خروج همان تاریخ الزام آور شدن معاهده خروج است و در غیر اینصورت فرآیند خروج به طور خودکار با گذشت دو سال تکمیل خواهد شد. (2: Piris, 2015) در مرحله مذاکره برای خروج، هرگونه توافق نیازمند حمایت دست کم ۲۰ عضو از ۲۷ عضو باقی مانده که نماینده حداقل ۶۵ درصد جمعیت اتحادیه باشند و تأیید پارلمان اروپا است. چنانچه این توافق حاصل نشود، و مدت دو سال تمدید نشود، بریتانیا به طور خودکار پس از دو سال از تاریخ اعلام موضوع ماده ۵۰ از اتحادیه خارج خواهد شد، حتی اگر هیچگونه ترتیبات یا روش تجاری جایگزینی مورد مذاکره واقع نشده باشد. در خلال این مدت بریتانیا عضو اتحادیه و متعهد به تمام قانون گذاری‌ها و قواعد آن محسوب می‌شود.

بنابراین، بریتانیا بایستی شورای اروپایی<sup>۱</sup> را از قصد خود مبنی بر کناره گیری از اتحادیه اروپا آگاه می‌کند. زمانی که این اعلام صورت گیرد، از آن موقع بریتانیا دو سال مهلت دارد که شرایط کناره گیری را به مذاکره گذارد. نخست وزیر وقت، دیوید کامرون<sup>۲</sup>، ضمن استعفا، بیان داشت که تصمیم خروج که همان اعلام به شورای اروپایی به موجب ماده ۵۰ باشد را به نخست وزیر بعدی وا می‌گذارد. ترزا می<sup>۳</sup>، نخست وزیر فعلی بریتانیا اعلام داشت که تا پایان ماه مارس ۲۰۱۷ فرآیند خروج از اتحادیه اروپا طبق ماده ۵۰ را به جریان خواهد انداخت (Croissant, 2017)<sup>۴</sup> و سرانجام در تاریخ ۲۹ مارس ۲۰۱۷ شورای اروپایی طی بیانییه ای از

1-European Council

2-David Cameron

3-Theresa May

4-An online article available at: <http://kluwerarbitrationblog.com/2017/01/27/towards-the-uncertainties-of-a-hard-brexite-an-opportunity-for-international-arbitration/> (last visited on: 22/08/2018)

وصول اعلامیه خروج از جانب بریتانیا<sup>۱</sup> خبر داد:

«امروز، شورای اروپایی نامه‌ای مبنی بر اعلام قصد بریتانیا به خروج از اتحادیه اروپایی را از نخست وزیر آن کشور، ترزا می، دریافت نمود. این اعلامیه پیرو فرانسوم ۲۳ ژوئن ۲۰۱۶ بوده و فرآیند خروج را طبق ماده ۵۰ عهدنامه به جریان می‌اندازد. ما از خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا ابراز تأسف می‌کنیم اما برای طی فرآیندی که اکنون ناگزیر از آنیم، آمادگی داریم.»

Statement by the European Council (Art. 50) on the UK notification, 29/03/2017)<sup>۲</sup>

## ۲- پیامدهای حقوقی خروج بریتانیا

### ۱-۲. حقوق بین الملل بشر

#### ۱-۱-۲. سرنوشت تعهدات حقوق بشری

قاره اروپا در زمینه حقوق بشر به نسبت سایر مناطق پیشرو تر بوده و هم به لحاظ حقوق داخلی و هم حقوق بین المللی توانسته است به سطح مطلوبی از حمایت از حقوق بشر و رعایت و اجرا و ضمانت آن دست یابد. این وضعیت در چارچوب اتحادیه اروپا همواره توسط دیوان دادگستری اروپایی<sup>۳</sup> دنبال می‌شده است و این دیوان بیشتر با قضایای حقوق بشری روبرو بوده است و «با رویه سرشار و غنی خود توانست حقوق بشر اروپایی را به بهترین وجه تضمین و از آن حمایت کند». (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۱: ۲۶۳)

۱- متن اعلامیه در آدرس ذیل قابل دریافت است:

[http://consilium.europa.eu/en/press/press-releases/2017/03/pdf/070329\\_UK\\_let-ter\\_Tusk\\_Art50\\_pdf/](http://consilium.europa.eu/en/press/press-releases/2017/03/pdf/070329_UK_let-ter_Tusk_Art50_pdf/) (last visited on: 22/08/2018)

2-Available at:

<http://www.consilium.europa.eu/en/press/press-releases/2017/03/29-euco-50-statement-uk-notification/> (last visited on: 22/08/2018)

3-The European Court of Justice (ECJ) or Court of Justice of the European Union (CJEU)



منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا<sup>۱</sup> از جمله اسناد مهم حقوق بشری محسوب می‌شود که در چارچوب اتحادیه اروپا به تصویب رسیده است. این سند در قالب عهدنامه تنظیم شده است که مورخ ۱ دسامبر ۲۰۰۹ لازم‌الاجرا شده است. بنابراین، منشور مزبور برای اعضای اتحادیه اروپا الزام‌آور می‌باشد. (Treaty on European Union, Article 6 (1))

این امر از جمله به این معناست که تمام قانونگذاری‌های داخلی اعضای اتحادیه اروپا بایستی در انطباق با حقوق بنیادین مندرج در این منشور قرار گیرد و این امور تحت صلاحیت و نظارت دیوان دادگستری اروپایی است. حقوق بشر در بریتانیا به طور عمده به موجب قانون حقوق بشر مصوب ۱۹۹۸<sup>۲</sup> که حاوی اکثر حقوق مندرج در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر<sup>۳</sup> می‌باشد، مورد حمایت واقع می‌شود. این قانون همه مقامات را ملزم به تبعیت می‌کند، اما از قوانین مصوب پارلمان نمی‌تواند برتر باشد. در هنگام تعارض حقوق مندرج در این قانون با هر مصوبه پارلمان، بدون اینکه به مصوبه پارلمان خدشه‌ای وارد شود، دادگاه‌های عالی که مسئول تشخیص تعارض هستند، اعلامیه ناسازگاری یا عدم انطباق<sup>۴</sup> صادر می‌کنند و این امر تنها به پارلمان این فرصت را می‌دهد که نظر به وضعیت خاص و قابل حمایت حقوق بشر به نوعی بر این تعارض فائق آمده و رفع مشکل کند. (the Human Rights Act 1998, Sections 4 and 10)

به همین صورت، دستورالعمل‌های اتحادیه اروپا راجع به برابری و عدم تبعیض در قانونی دیگر تحت عنوان قانون این قانون بر مبنای دیگر قوانین ضد

1-The Charter of Fundamental Rights of the European Union, proclaimed on 7 December 2000 by the European Parliament, the Council of Ministers and the European Commission, the Charter has become legally binding on the EU with the entry into force of the Treaty of Lisbon, on 1 December 2009.

2-the Human Rights Act 1998 (HRA)

The full text is available at: <http://www.legislation.gov.uk/ukpga/1998/42/contents>

3-Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms (European Convention on Human Rights) (ECHR), Rome, 4.XI.1950

4-declaration of incompatibility

تبعیض موجود بنا شده است.<sup>۱</sup> این قانون بسیار گسترده تر از آن چیزی است که در حقوق اتحادیه اروپا موجود است. در عین حال، حقوق اتحادیه اروپا، قانونگذاری بریتانیا را در خصوص منع تبعیض بطور قابل توجهی تقویت و تکمیل کرده است. (Lock, 2016: 3) برای مثال، ممنوعیت تبعیض بر اساس سن، دین یا اعتقاد، و گرایش های جنسی و همچنین تغییر جنسیت ها<sup>۲</sup> همه ریشه در حقوق اتحادیه اروپا دارند. (The Employment Equality Framework Directive 2000/78/EC) در رابطه با اسکاتلند، تا جایی که قانون خود اسکاتلند قابلیت اجرا می یابد، قانون اسکاتلند بیان داشته است:

(Scotland Act 1998, Section 29: Legislative competence)

که در صورتی که مصوبه پارلمان با مقررات و حقوق اتحادیه اروپا یا کنوانسیون در تعارض باشد، چنین قانونی کأن لم یکن تلقی می شود. (Lock, 2016: 4)

اگر خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا به کلی تحقق یابد، آنچه پیش بینی می شود این است که روابط میان آن دو پس از خروج بیشتر مربوط به روابط تجاری باشد و تصور نمی رود که حمایت از حقوق بنیادین بشری موضوع روابطی جدید قرار گیرد. اما به نظر می رسد از آنجایی که خروج بریتانیا بر تعهدات مندرج در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و همچنین قانون حقوق بشر ۱۹۹۸ هیچ تأثیری نخواهد گذاشت و آن دو همچنان به اجرا ادامه خواهند داد، پس صرف خروج بریتانیا هرچند این دولت را از تعهدات مندرج در منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا رها می کند، اما نظر به همپوشانی دو سند یعنی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا، نفس حقوق بشر و تضمین و اجرای آن در این دولت خدشه ای نمی بیند.

۱-بعنوان مثال قانون روابط نژادی یا طبقاتی مصوب ۱۹۶۵ که نخستین نمونه قانونگذاری در خصوص منع تبعیض در بریتانیا بود. (The Race Relations Act 1965)

2-See for example: Case C-13/94 P v S and Cornwall County Council ECLI:EU:C:1996:170

## ۲-۱-۲. ممنوعیت تبعیض

در رابطه با قوانین مبارزه با تبعیض و حقوق اتحادیه اروپا، باید توجه داشت که دستورالعمل‌های اتحادیه در این رابطه برخلاف دیگر مقررات اتحادیه و منشور حقوق بنیادین به خودی خود برای دولت بریتانیا هیچگاه الزام‌آور نبوده است، مگر اینکه وارد قانونگذاری داخلی آن دولت شده است.<sup>۱</sup> آن دستورالعمل‌ها زمانی صورتی الزام‌آور به خود گرفت که به موجب قانون برابری مصوب ۲۰۱۰ به تصویب پارلمان رسید و صورتی قانونی یافت. قطعاً خروج بریتانیا از اتحادیه هرچند وی را از حقوق گسترده منع تبعیض اتحادیه می‌رهاند اما قانون برابری مصوب پارلمان به قوت خود باقی خواهد ماند و خروج بریتانیا بر آن بعنوان قانونی داخلی تأثیری نمی‌گذارد. مگر اینکه پارلمان دست به تغییر و بازنگری در قانون مزبور بزند که در این حالت نیز نمی‌تواند به کلی از قواعد مربوط به منع اشکال تبعیض به دلیل ماهیت خود این قواعد صرف نظر کند.

## ۲-۱-۳. آزادی رفت و آمد و مهاجرت

بدون تردید از مهمترین آثار عضویت در اتحادیه اروپا برای بریتانیا آزادی رفت و آمد کلیه شهروندان اتحادیه اروپا به موجب مقررات و عهدنامه‌های موجود است. این مسأله هیچگاه به معنی آزادی کامل رفت و آمد و عدم امکان کنترل مرزها توسط بریتانیا نبوده است و این دولت همواره حق کنترل افراد را در مرزهایش حفظ کرده و بخصوص در مورد غیر شهروندان اتحادیه اروپا مقررات خود را اعمال می‌کرده است. (Peers, 2016: 247) در عمل بریتانیا همیشه از قوانین اتحادیه راجع به ویزا و مرزها که عمدتاً ریشه در قواعد شنغن<sup>۲</sup> داشته‌اند دوری جسته است.

۱- به موجب نظام قانونگذاری اتحادیه اروپا دو راه اصلی برای اجرای الزامی مصوبات آن وجود دارد. دسته اول، مقررات (regulations) هستند که بدون اینکه نیاز به تصویب اعضا داشته باشند، به محض تصویب توسط اتحادیه در حقوق داخلی دول عضو الزام‌آور خواهد بود. دسته دوم، دستورالعمل‌ها (directives) هستند که پس از اینکه در چارچوب اتحادیه به تصویب رسید، برای اینکه دول عضو را نیز متعهد سازد باید توسط حقوق داخلی آنها به تصویب برسد. این امر توسط قانونگذاری داخلی بریتانیا نیز تصدیق شده است.

the European Communities Act, 1972, Section 2(1)

2-Schengen rules

همچنین از مقررات اتحادیه اروپا راجع به مهاجرت قانونی که قواعدی حداقلی مشترکی را در خصوص پیوستگی خانوادگی، مهاجرت کاری، پذیرش دانشجو و محقق و تحصیل اقامت طولانی مدت توسط غیر شهروندان اتحادیه اروپا امتناع می کرد. (Peers, 2016: 249) در کل، حقوق راجع به مهاجرت و پناهندگی اتحادیه اروپا تأثیر چندانی بر بریتانیا نداشته است. (Peers, 2016: 249)

در خصوص مهاجرت های غیرقانونی افراد غیر شهروند اتحادیه اروپا، دلیلی وجود ندارد که فرض شود به صرف وقوع برگزیت افراد کمتر یا بیشتری در صدد ورود بدون مجوز به خاک بریتانیا بر خواهند آمد. شنگن، همچنان اعمال خواهد شد و خروج صرف از اتحادیه اروپا بریتانیا را از قاره اروپا جدا نخواهد کرد. به همین منوال، همانگونه که مهاجرت های قانونی غیر شهروندان اتحادیه قبلا نیز در مرزها کنترل می شد، خروج از اتحادیه به خودی خود نه تنها تغییری در این امر به وجود نیاورده که کما فی السابق رویه تداوم می یابد. (Peers, 2016: 252)

## ۲-۱-۴. حقوق نسل سومی بشر

با توجه به آنچه در خصوص وضعیت تعهدات حقوق بشری در قالب دو سند مهم کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا در بند «۱-۱-۲» گفته شد، چند مسأله همچنان محل بحث می ماند و آن معطوف به حقوق جمعی و مربوط به نسل سوم حقوق بشر مانند حق بر بهداشت، امنیت و محیط زیست سالم و دیگر حقوق موسوم به حقوق همبستگی است که در قالب منشور اتحادیه اروپا صورتی الزام آور و معاهده ای پیدا کرده بود، حال آنکه در سند دیگر حقوق بشری یعنی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر این حقوق گنجانده نشده است و به یک سری حقوق نسل اولی اکتفا گردیده است. منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا، در بخش چهارم خود تحت عنوان «همبستگی»<sup>۱</sup> حاوی مقرراتی در خصوص حق بر کار و تعیین شرایط کار و ممنوعیت کار کودکان (مواد ۲۸ الی ۳۲)، برخورداری از امنیت و کمک های اجتماعی<sup>۲</sup> (ماده ۳۴)، مراقبت های بهداشتی و

1-Solidarity

2-Social security and social assistance

درمانی<sup>۱</sup> (ماده ۳۵)، دسترسی به منافع اقتصادی جمعی<sup>۲</sup> (ماده ۳۶)، حمایت از محیط زیست<sup>۳</sup> (ماده ۳۷) و حمایت از حقوق مصرف‌کننده<sup>۴</sup> (ماده ۳۸) می‌باشد و همچنین بخش پنجم مقرراتی در خصوص حقوق شهروندی دارد که نظیر آنها در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر وجود ندارد. قطعاً خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا و از بین رفتن مبنای الزام آور این معاهده می‌تواند حقوق مزبور را متأثر ساخته و از حجم زیادی از تعهدات دولت بریتانیا در این خصوص بکاهد، هرچند بیان شد که کلیت حقوق بشر با وجود کنوانسیون اروپایی حقوق بشر دستخوش تغییر نخواهد شد. بنابراین شهروندان بریتانیایی از این پس نمی‌توانند از حقوقی که صرفاً در منشور اتحادیه آمده بهره‌مند شوند و یا در پی نقض آنها به دیوان دادگستری اروپایی متوسل شوند. همچنین دیگر مزایا و توسعه‌های پدید آمده در آن حقوق نظیر حق بر فراموشی<sup>۵</sup> که توسط دیوان دادگستری اروپا با تفسیر مواد ۷ و ۸ به رسمیت شناخته شد (Case C-131/12, 2014:317) برای شهروندان بریتانیایی دیگر متصور نیست. این به این معنی است که پارلمان بریتانیا زین پس در هنگام قانونگذاری آزادتر بوده و محدودیت‌هایی کمتر پیش رو دارد. این داستان در مورد بخش ۲۹ قانون اسکاتلند هم صادق است.

## ۲-۲. حقوق بین الملل محیط زیست

### ۲-۲-۱. تعهد به حمایت از محیط زیست

همانگونه که پیش از این گفته شد، مقررات اتحادیه که بدون نیاز به تصویب توسط قوه مقننه اعضا وارد نظام داخلی می‌شود، با خروج بریتانیا از اتحادیه مبنای اجرایی خود را از دست داده و در داخل این دولت اعمال نخواهد شد. اما دستورالعمل‌های اتحادیه اروپا که بدو جهت اجرای آنها لازم به تصویب قانون داخلی بوده است، از آنجایی که به موجب مصوبه پارلمان بخشی از حقوق داخلی

1-Health care

2-Access to services of general economic interest

3-Environmental protection

4-Consumer protection

5-right to be forgotten'

شده است، با خروج بریتانیا از اتحادیه به قانون داخلی مزبور خللی وارد نیامده و به قوت خود باقی خواهد ماند.

اما همانطور که گفته شد کلیه مقررات مصوب اتحادیه که بدون نیاز به تصویب داخلی برای اعضا الزام آور بوده است با خروج بریتانیا از اتحادیه برای این دولت الزام آور نبوده و هیچ تعهدی به بار نمی آورند. این امر به این معنی است که با خروج بریتانیا دوراه پیش روی این دولت می ماند: یا قواعد و مقررات اتحادیه اوپا را وارد نظام داخلی کند یا اینکه دست به قانونگذاری جدید در این زمینه بزند. این امر منجر به مشکلاتی عدیده برای مردم می شود. بخصوص مردمی که با مقررات زیست محیطی اتحادیه اروپا سر و کار داشته و مسائلی این چنین به آنها مربوط می شده است. بر این اساس، با خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، حجم وسیعی از مقررات اتحادیه اروپا که بیشتر برای بریتانیا الزام آور بوده و در داخل اجرا می شده است، از دامنه اجرا خارج خواهد شد. این مقررات از جمله عبارتند از: مقررات راجع به بازیافت کشتی ها<sup>۱</sup>، مقررات راجع به آلودگی های آلی با دوام<sup>۲</sup>، مقررات راجع به آفت کش ها<sup>۳</sup>، مقررات راجع به علفزارها<sup>۴</sup>، مقررات راجع به ایمنی هسته ای<sup>۵</sup>، مقررات راجع به کنترل رفاه حیوانات، مقررات راجع به تجارت تولیدات خوکی<sup>۶</sup>، مقررات راجع به گذرنامه حیوانات خانگی<sup>۷</sup>، مقررات راجع به منع استعمال ارگانوتین در کشتی ها<sup>۸</sup>، مقررات راجع به محموله های زباله<sup>۹</sup> و ده ها مقررات دیگر راجع به حمایت از محیط زیست که با خروج بریتانیا از اتحادیه متوقف شده و اجرا نمی شوند یا نیازمند نظم حقوقی نوینی هستند که به اجرا درآیند.<sup>۱۰</sup>

- 1-Regulation on Ship recycling
- 2-Regulation on Persistent organic pollutants
- 3-Regulation on the use of biocides
- 4-Regulation on Grasslands
- 5-Regulation on Nuclear Safety
- 6-Regulation on trade in seal products
- 7-Regulation on the Pet passport
- 8-Regulation on the prohibition of organotin in ships
- 9-Regulation on Shipments of waste
- 10-website of European Law Monitor as follow:

<http://www.europeanlawmonitor.org/eu-referendum-topics/the-legislative-impact-of-brexit-on-environmental-protection-in-the-uk.html> (last visited on: 01/09/2018)

بعلاوه، منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپایی که به صورت معاهده بوده و برای تمام اعضا الزام آور بوده است، در ماده ۳۷ در راستای حمایت از محیط زیست بیان می‌دارد: «حمایتی عالی از محیط زیست و بهبود کیفیت محیط بایستی در سیاست‌های اتحادیه گنجانده شود و در راستای اصل توسعه پایدار تضمین گردد». همانگونه که قبلاً اشاره شد، نظر به اینکه منشور مزبور دیگر برای بریتانیا الزام آور نمی‌باشد و این دولت می‌تواند به آسانی از آن چشم پوشد، ماده ۳۷ نیز که در سایر عهدنامه‌های حقوق بشری کم نظیر است از درجه الزام ساقط و هیچ تعهدی برای بریتانیا بار نمی‌کند. این واقعیتی است که در نهایت دولت بریتانیا را در رفتار با محیط زیست با دستانی بازتر قرار می‌دهد و در مقابل، شهروندان آن دولت را در معرض خطر آسیب‌های زیست محیطی بیشتر.

گزارشگر ویژه ملل متحد در خصوص مواد مضر و زباله‌ها، باسکوت تونکاک<sup>۱</sup> نظر به خطری که در پی خروج بریتانیا احساس می‌کرد، از این دولت خواست که تضمین نماید که خروج او از اتحادیه به هیچ وجه سطح حمایت از حقوق بشر، و از جمله حمایت در برابر تأثیرات آلودگی‌های سمی کاهش نخواهد داد.<sup>۲</sup>

---

1-Baskut Tuncak

۲-بنگرید به:

<http://www.ohchr.org/EN/NewsEvents/Pages/DisplayNews.aspx?NewsID=21132&LangID=E> (last visited on: 05/12/2017)

## ۲-۲-۲. تعهدات راجع به مقابله با تغییرات اقلیمی

با وجود اینکه با خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا اجرای مقررات زیادی در خصوص تغییرات اقلیمی که به تصویب اتحادیه رسیده است<sup>۱</sup>، در بریتانیا متوقف می‌شود اما خط مشی اصلی اتحادیه اروپا در خصوص مقابله با تغییرات اقلیمی در نظام تجارت انتشار اتحادیه اروپا<sup>۲</sup> تجلی می‌یابد. این نظام بنیاد اساسی سیاست اتحادیه اروپا در رابطه با مقابله با تغییرات اقلیمی بوده و ابزار کلیدی در جهت کاهش اثرات گازهای گلخانه‌ای محسوب می‌شود.<sup>۳</sup>

۱-هم این مقررات بدون قید حصر عبارتند از:

- Emissions trading regulations
- Regulation on Emission performance standards of new passenger cars
- Regulation on Type approval of motor vehicles and engines with respect to heavy duty vehicles
- Regulation on Emission standards that apply to light commercial vehicles
- Regulation on Climate change research and funding
- Regulation on Monitoring of greenhouse gases and climate change at national and EU level
- Regulation on substances that deplete the ozone layer
- Regulation on European Earth Monitoring Programme(GMES)
- Regulation on Fluorinated greenhouse gases

### 2-The EU Emissions Trading System (EU ETS)

#### 3-Main EU ETS legislations:

- 30/04/2014 - Consolidated version of Directive 2003/87/EC of the European Parliament and of the Council establishing a scheme for greenhouse gas emission allowance trading within the Community and amending Council Directive 96/61/EC
- 23/04/2009 - Directive 2009/29/EC of the European Parliament and of the Council amending Directive 2003/87/EC so as to improve and extend the greenhouse gas emission allowance trading scheme of the Community
- 19/11/2008 - Directive 2008/101/EC of the European Parliament and of the Council amending Directive 2003/87/EC so as to include aviation activities in the scheme for greenhouse gas emission allowance trading within the Community
- 27/10/2004 - Directive 2004/101/EC of the European Parliament and of the Council amending Directive 2003/87/EC establishing a scheme for greenhouse gas emission allowance trading within the Community, in respect of the Kyoto Protocol's project mechanisms.
- 13/10/2003 - Directive 2003/87/EC of the European Parliament and of the Council establishing a scheme for greenhouse gas emission allowance trading within the Community and amending Council Directive 96/61/EC



نظام مزبور اولین و در عین حال بزرگ‌ترین بازار کربن جهان را رقم می‌زند. برنامه تجارت انتشار اتحادیه اروپا اولین سیستم منطقه‌ای تجارت انتشار محسوب می‌شود که بیش از ۱۲۰۰۰ صنعت انرژی بر را در سراسر اتحادیه اروپا پوشش می‌دهد که حدود ۴۵ درصد آلاینده‌ها را منتشر می‌کنند. این صنایع شامل پالایشگاه‌های نفت، تأسیسات حاوی مشعل‌های احتراق، کوره‌های زغال سنگ، تأسیسات تولید آهن و فولاد، کارخانجات تولید سیمان، شیشه، آهک، آجر، سرامیک، کاغذ و چوب می‌باشد. هدف از این برنامه کمک به کشورهای عضو اتحادیه در جهت ایفای تعهدات پروتکل کیوتو می‌باشد. این برنامه در صدد نیست که اهداف زیست محیطی جدیدی را ایجاد کند بلکه به شرکت‌های مستقر در این کشورها امکان می‌دهد که با هزینه مناسب‌تری تعهدات پروتکل کیوتو را محقق سازند. (شیروی، ۱۳۸۹: ۲۶۶)

این نظام در ۳۱ کشور از جمله تمامی ۲۸ عضو اتحادیه اروپا بعلاوه ایسلند، لیختن اشتاین و نروژ اعمال می‌شود.

بریتانیا همواره یکی از طرفداران این نظام بوده است و هنگام مباحثات مداوم راجع به تجدیدنظر در آن نیز بریتانیا یکی از قوی‌ترین طرفداران تقویت و استحکام بخشیدن به این نظام بوده است. (Elkerbout, 2016: 1) نظام تجارت انتشار اتحادیه اروپا بر مبنای اصلی تحت عنوان نظام پوشش و تجارت<sup>۱</sup> عمل می‌کند که به موجب آن بنگاه‌ها و کارخانه‌هایی که تولید گازهای گلخانه‌ای می‌کنند بر تأسیسات خود پوششی قرار می‌دهند و در این راه از طرف اتحادیه به آنها کمک‌های مالی<sup>۲</sup> نیز می‌شود<sup>۳</sup>.

از آنجایی که بریتانیا دومین عضو بزرگ منتشرکننده گازهای گلخانه‌ای در اتحادیه بوده است، کناره‌گیری از نظام تجارت انتشار اتحادیه می‌تواند به کم شدن تقاضا برای فوق‌العاده‌های دریافتی برای پوشش گلخانه‌ای منتهی شود و در

1-cap and trade system

2-emission allowances

3-website of european commission:

[http://ec.europa.eu/clima/policies/ets\\_en#tab-0-0](http://ec.europa.eu/clima/policies/ets_en#tab-0-0) (last visited on: 12/12/2017)

نتیجه فشاری رو به پایین به قیمت کربن وارد شود<sup>۱</sup>. بعلاوه، خروج بریتانیا بر وضعیت سیستم پوشش تجارت انتشار اثر گذاشته و آن را نیازمند بازنگری و انطباق با وضعیت موجود می کند.

همچنین، از آن جا که اتحادیه اروپا باید در فاصله زمانی ۲۰۰۸ - ۲۰۱۲ سرجمع میزان آلاینده های خود را نسبت به سال ۱۹۹۰ به میزان ۸ درصد کاهش دهد موافقت نامه تسهیم مسئولیت<sup>۲</sup>، بین اعضای اتحادیه اروپا امضا شد (Council Decision 2002/358/EC) که بر اساس آن کشورهای عضو توسعه یافته تر مسئولیت بیشتری نسبت به کشورهای کم تر توسعه یافته تقبل کردند. (Convery and Redmond, 2007: 90) قطعاً عدم حضور بریتانیا بعنوان یکی از کشورهای توسعه یافته تر و دارای مسئولیت بیشتر بر اجرای این تصمیمات اثر گذاشته و بخشی از کارایی آن را تحت الشعاع قرار می دهد.

در کنار مسأله انتشار گازهای گلخانه ای، این نکته نباید مغفول بماند که از نقطه نظر سازمان ملل متحد نیز هم اتحادیه اروپا و هم بریتانیا عضو کنوانسیون چارچوب ملل متحد در خصوص تغییرات اقلیمی<sup>۳</sup> هستند. هر دوی آنها عضوی از ملل متحد محسوب می شوند که به مقوله تغییرات آب و هوایی می پردازند و هر دو از تصویب کنندگان توافق پاریس<sup>۴</sup> نیز هستند. در جریان کاپ ۲۱ که موافقت نامه پاریس در آن منعقد شد، اتحادیه اروپا از جانب همه اعضای خود (و از جمله بریتانیا)، سند تعهد خود مبنی بر چشم انداز او برای سال ۲۰۳۰ در خصوص دستیابی به «حداقل

1-Following the referendum, the EU's carbon market seemed to respond immediately, with allowance prices dropping to below €4.50 (down from about €6) in the week following the Brexit vote.

2-Burden Sharing Agreement

3-United Nations Framework Convention on Climate Change (UNFCCC), 1992.

The UNFCCC entered into force on 21 March 1994. Today, it has near-universal membership. The 197 countries that have ratified the Convention are called Parties to the Convention.

4-Paris Agreement, 2015. The Paris Agreement entered into force on 4 November 2016

کاهش ۴۰ درصدی انتشار گازهای گلخانه‌ای در مقایسه با سال ۱۹۹۰ در قلمرو اعضا» را تقدیم نمود.<sup>۱</sup> برای هر عضوی که تعهد دوره‌ای تا سال ۲۰۳۰ داشته باشند (همچون اتحادیه اروپا و بریتانیا)، تعهد مزبور باید طی اختطاری نهایت تا پایان ۲۰۲۰ انجام شود که تصویب توافق پاریس خود بخود به مثابه این اختطار است. موافق نامه پاریس حاوی مقررات خاصی در مورد انجام اهداف و موضوعات توافق بوسیله دول عضو «سازمان‌های منطقه‌ای یکپارچه‌سازی اقتصادی» که خود سازمان نیز طرف موافقت نامه هستند می باشد. این امر سازمان‌های مزبور را متعهد به اعلام سطح انتشار اختصاص یافته به هر عضو به ملل متحد می کند. بنابراین، خروج بریتانیا می تواند این عملکرد اتحادیه را تحت تأثیر قرار داده و عملاً یکی از جوانب تعهدی آن را از بین ببرد. بعلاوه، مشکلات و ابهاماتی در خصوص تداوم مشارکت و همکاری این دو وجود دارد. با وجود اینکه تمهیدات متعددی در جهت همکاری نزدیک یک عضو با اتحادیه پس از خروج آن می توان اندیشید، این حقیقت که کناره‌گیری یک عضو و روابط آینده او با اتحادیه باید بطور جداگانه به مذاکره گذاشته شود، مشکلات و پیچیدگی‌هایی را موجب می شود. با تمام این احوال، در سطح ملل متحد، از آنجایی که اندکی مجهولات حقوقی در خصوص خروج عضوی از یک سازمان منطقه‌ای یکپارچه‌سازی اقتصادی وجود دارد، بر این اساس موانعی آشکار پیش روی بریتانیا برای اینکه بتواند در خصوص اجرای چرخه نخست (۵ سال اول) توافق پاریس بدون هیچ تغییری که نتیجه برگزیت باشد، تصمیم بگیرد وجود ندارد. (Elkerbout, 2016: 3) و برای تعهدات پس از سال ۲۰۳۰ بایستی از جانب اتحادیه تعهدی جدید تقدیم شود و بریتانیا نیز بطور مجزا چنین کاری کند.

## ۳-۲. بازار مشترک و سرمایه گذاری خارجی

بعنوان یکی از ابتدایی‌ترین آثاری که خروج بریتانیا در پی خواهد داشت باید به عدم دسترسی به بازار آزاد اتحادیه اروپا و در مقابل پایان تعهد دولت خارج شده به باز کردن دروازه‌های اقتصادی و بازار خود به روی سایرین اشاره کرد. (Nico-lades, 2013: 214) قانون جوامع اروپایی که به منظور تدوین مقررات راجع به

1-Intended Nationally Determined Contribution (INDC)

اتحادیه اروپا و ورود آن مقررات به نظام حقوق داخلی بریتانیا در سال ۱۹۷۲ تصویب شده است،<sup>۱</sup> قطعا با وقوع برگزیت به کلی لغو خواهد شد. قطعا یکی از آثار و تبعات خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا قطع دسترسی آن دولت به بازار واحد و مشترک اروپا خواهد بود. ممکن است بطور جداگانه توافقی میان بریتانیا و اتحادیه اروپا صورت گیرد که یک حق ترجیحی به این دولت برای بهره مندی از بازار مشترک اعطا شود. اما این امر چنانچه انجام شود، در تعارض آشکار با شرط ملت کامله الواداد<sup>۲</sup> طبق حقوق سازمان تجارت جهانی که بریتانیا نیز یکی از اعضای آن می‌باشد، قرار خواهد گرفت. بنابراین از آنجا که بریتانیا نمی‌تواند دسترسی ترجیحی و ممتازی به بازار مشترک داشته باشد، روابط تجاری آن دولت با اروپا تابع مقررات و ضوابط سازمان تجارت جهانی خواهد بود. (Lang, 2014: 2)

بریتانیا و علی‌الخصوص لندن در پی جذب سرمایه‌های عمده خارجی بوده است که توسط مؤسسات و شرکت‌های بزرگ خارجی تأمین می‌شده است که در صدد ورود به بازار اروپا بوده‌اند. در این حالت، بعنوان عواقب برگزیت، این شرکت‌ها دیگر نمی‌توانند در جابجایی و رفت و آمد آزادانه پرسنل و کارکنان خود میان لندن و دیگر شهرهای مهم اروپا بهره ببرند. این امر باعث خواهد شد که آنها در انتقال مرکز اصلی فعالیت‌های خود یا مقر اروپایی خود به کشوری دیگر تردید نکنند. (Lang, 2014: 2)

اثر عمده دیگر خروج بریتانیا، این است که بریتانیا از مزایا و منافع توافق‌های آتی اتحادیه اروپا محروم خواهد شد. اتحادیه اروپا در حال مذاکره برای دستیابی وسیع‌تر به بازار ایالات متحده از راه تجارت و سرمایه‌گذاری است. همچنین با کانادا، آسه آن، شورای همکاری خلیج<sup>۳</sup>، هندوستان، مالزی، سنگاپور و دیگر کشورها در حال مذاکره است که همه آنها بازارهای بالقوه‌ای برای کالاها و تولیدات بریتانیا محسوب می‌شوند.

1-European Communities Act 1972

Full text is available at: <http://www.legislation.gov.uk/ukpga/1972/68/introduction> (last visited on: 23/05/2018)

2-the most favoured nation

3-the Gulf Cooperation Council

روشن است که خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا این دولت را قادر می‌سازد توافق‌های آزاد تجاری خود را با شرکای تجاری کلیدی خود به راحتی بیشتری دنبال کند. اما از طرف دیگر مقررات گاهاً سخت‌گیرانه‌تر سازمان تجارت جهانی به قوت خود باقی است و خروج بریتانیا از اتحادیه روابط آن دولت را با سازمان نه تنها آسان‌تر نمی‌کند که پیچیده‌تر نیز می‌کند که تشریح بیشتر در بند بعدی می‌آید.

## ۴-۲. تأثیر بر تعهدات تجاری بین‌المللی بریتانیا و سازمان جهانی

### تجارت

یکی از مهمترین ایده‌ها و نظرات گردانندگان طرح برگزیت بازگشت به حاکمیتی<sup>۱</sup> مستحکم‌تر تحت ایده خود حاکمیتی بوده است. اما آنان به این نکته باید توجه کنند که الزاماتی را که از جانب اتحادیه اروپا و یا کنوانسیون اروپایی حقوق بشر اگر داشته‌اند با خروج از اتحادیه درست است که الزامات اتحادیه برای حاکمیت از بین می‌رود اما جای خود را به نهادی دیگر و در قالبی دیگر می‌دهد: سازمان تجارت جهانی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز که مقوله‌ای جداگانه است و ارتباطی به اتحادیه اروپا ندارد.

سازمان تجارت جهانی در حال حاضر ۱۶۴ عضو دارد<sup>۲</sup>. بریتانیا و اتحادیه اروپا هر یک در قالب شخصیت حقوقی مستقل از هم عضو سازمان تجارت جهانی هستند. بنابراین، در صورت خروج بریتانیا و عدم توافق‌های بعدی آن با اتحادیه اروپا یکی از راه‌های دسترسی به بازار واحد اتحادیه اروپا، عضویت در سازمان تجارت جهانی است. چنانچه بریتانیا تمایل به انعقاد موافقت‌نامه‌هایی جدید با اتحادیه داشته باشد، هرگونه موافقت‌نامه تجاری باید در انطباق با حقوق سازمان تجارت جهانی از جمله نظیر آزادی ماهوی همه تجارت‌ها باشد. قلمرو حقوق سازمان تجارت جهانی بسیار گسترده است اما نفوذ آن قواعد در نظام داخلی بریتانیا قطعاً به شدت حقوق اتحادیه اروپا نمی‌باشد. هم‌چنین بر خلاف حقوق اتحادیه

1-self-rule

2-Official website of WTO:

[https://www.wto.org/english/thewto\\_e/whatis\\_e/tif\\_e/org6\\_e.htm](https://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/tif_e/org6_e.htm) (last visited on: 12/05/2018)

اروپا، نظام سازمان تجارت جهانی به طور خودکار وارد نظام داخلی بریتانیا نخواهد شد، به افراد حقی اعطا نخواهد کرد و بر نظام داخلی بریتانیا برتری نخواهد یافت؛ مزیت این امر همان چیزی است که طرحان برگزیت می خواستند: پارلمان تحت نفوذ تصمیمات یک دادگاه یا قانونگذار خارجی نخواهد بود. (Messenger, 2016) تردیدی نیست که یکی از مهمترین آثار اتحادیه اروپا برای بریتانیا این بوده است که بخش اعظمی از روابط تجاری خارجی آن دولت توسط اتحادیه انجام می شده است. و با وقوع برگزیت می تواند کنترلی دوباره بر اینگونه روابط به دست آورد. با وجود این، خروج بریتانیا به معنی آزادی کامل در تعیین روابط تجاری بین المللی نیست. بریتانیا همانطور که قبلاً به واسطه عضویت در اتحادیه اروپا نمی توانسته است میزان تعرفه‌ها را مشخص کند، زین پس هم به واسطه عضویت در سازمان تجارت جهانی از این اختیار بی بهره است. باید تعرفه‌هایی در زمینه واردات اگر بتواند تعیین کند بایستی با رعایت ضوابط سازمان تجارت جهانی باشد و نمی تواند بالاتر از آن چیزی باشد که گمرک اتحادیه اروپا تعیین کرده است. به دلیل وجود سیاست تجارت مشترک در اتحادیه اروپا و گمرک اتحادیه اروپا، بریتانیا قادر است موافقت نامه‌های تجاری خود را با دولت‌های غیر عضو اتحادیه اروپا می تواند برقرار کند در حالی که این امر قبلاً میسر نبود.

یکی از اصول مسلم و محوری موافقت نامه سازمان تجارت جهانی عدم تبعیض در روابط تجاری است. با این توضیح که اعضای سازمان بعنوان مثال مجاز نیستند تعرفه‌های متفاوتی را بر واردات کالاها از کشورهای مختلف وضع کنند مگر در شرایط بسیار استثنایی و مشخص؛ بنابراین، برتانی با خروج از اتحادیه می تواند در چارچوب سازمان به وضع تعرفه‌ها بپردازد اما از جانب اتحادیه نسبت به واردات از برتانی هم این الزام وجود دارد.

گمان این امر نیز می رود که اعمال مقررات سازمان تجارت جهانی می تواند اثر منفی بر روابط تجاری بریتانیا با سایر نقاط جهان بگذارد. از یک طرف، این امر مستلزم افزایش تعرفه‌ها بر برخی تولیدات است. از سوی دیگر آزادی سازی در حوزه خدمات بسیار محدودتر از آن چیزی است که بریتانیا در پی آن است.

این نکات به روشنی توسط دبیر کل سازمان بیان شده است. او اشاره کرده است که بریتانیا در زمینه تجاری هزینه‌های بسیاری پیش رو خواهد داشت و با مذاکراتی پر پیچ و خم روبرو خواهد شد. وی می‌افزاید که دو دهه است که بریتانیا در سایه عضویت در اتحادیه اروپا عضو سازمان بوده است و همه مذاکرات راجع به شرایط عضویت با بروکسل انجام می‌شده است و بریتانیا با خروج از اتحادیه نمی‌تواند همه آن شرایط را به موقعیت فعلی خود منتقل کند. (De Azevedo, MAY 25, 2016) از نظر او، سارمان تجارت جهانی برآورد کرده است که ارزش کل تعرفه‌هایی که بریتانیا بیشتر از قبل بر واردات وضع می‌کند حدود ۹ میلیارد پوند است، حال آنکه تولیدات صادره از بریتانیا ۵/۵ میلیارد پوند بیشتر از این مقدار در مقصدهای خود تعرفه می‌پردازند. قطعاً مصرف‌کننده‌ها در بریتانیا بایستی این میزان را بپردازند و بریتانیا در مقامی نیست که بتواند تصمیم بگیرد که چنین نشود و اقدام او در نپرداختن این تعرفه‌ها غیر قانونی و غیر مجرا است. (De Azevedo, MAY 25, 2016)

### ۳- خروج بریتانیا و تعهدات قراردادی اتحادیه اروپا

سؤال اصلی که در این قسمت به آن پاسخ داده می‌شود این است که آیا موافقت‌نامه‌ها و معاهدات منعقد شده توسط اتحادیه اروپا پس از وقوع برگزیت به دولت اخیر سرایت می‌کند و چگونه؟

اتحادیه اروپا بالغ بر هزار و صد مورد موافقت‌نامه دوجانبه و چند جانبه با طرف‌های ثالث دارد که در زمینه‌های تجاری، موضوعات اقتصادی و توسعه بخش‌های اقتصادی نظیر هوانوردی، انرژی و ماهیگری، مسائل مربوط به ویزا، حقوق بشر و سیاست‌های امنیتی و خارجی مشترک منعقد شده‌اند.<sup>۱</sup> قطعاً در مواردی که موافقت‌نامه مابین اتحادیه و طرف ثالث منعقد شده است و شخصیت حقوقی اتحادیه طرف موافقت‌نامه بوده است، خروج بریتانیا از اتحادیه مشکلی برای این

1-See the official website of European Union:

<http://ec.europa.eu/world/agreements/SimpleSearch.do> (last visited on:22/05/2018 )

عهدنامه ها پیش نمی آورد. مشکل در خصوص موافقت نامه هایی پدید می آید که ترکیبی از اتحادیه و اعضای آن به انعقاد آن پرداخته اند؛<sup>۱</sup> به عبارت دیگر، موافقت نامه هایی هستند که یک طرف آنها اشخاص ثالث هستند و طرف دیگر آنها، اتحادیه اروپایی و اعضای اتحادیه اروپایی است. نتیجه انعقاد چنین عهدنامه هایی این است که هر ۲۸ عضو اتحادیه اروپا بایستی در کنار اتحادیه اروپا، هریک نیز به موجب قانون اساسی داخلی خود آن موافقت نامه یا عهدنامه را تصویب نکنند. حقیقت این است که اکثریت قابل توجهی از موافقت نامه های بین المللی منعقد شده توسط اتحادیه اروپا، از نوع دوم یعنی نوع ترکیبی آن هستند.

بدون تردیدی موافقت نامه های نوع نخست که اتحادیه اروپا بعنوان شخصیتی حقوقی جدا از اعضا طرف آن بوده است، از تاریخ خروج بریتانیا از اتحادیه دیگر در خصوص آن دولت اعمال نخواهد شد. بند دوم ماده ۲۱۶ عهدنامه کارکرد اتحادیه اروپا<sup>۲</sup> بیان می دارد که «موافقت نامه های منعقد شده توسط اتحادیه [اروپا]، نسبت به ارکان و نهادهای اتحادیه و دولت های عضو الزام آور می باشد». بنابراین، از لحظه خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، آن دولت متعهد به موافقت نامه های بین المللی منعقد شده توسط اتحادیه نخواهد بود. بعلاوه، عمده موافقت نامه های منعقد شده حاوی شرط اجرای سرزمینی<sup>۳</sup> هستند، یعنی در قلمرو اتحادیه اروپا قابلیت اجرا دارند که با خروج بریتانیا از این اتحادیه، قلمرو آن دولت و دیگر سرزمین های ماوراء بحار آن قلمرو اتحادیه اروپا محسوب نمی شود. (Van der Loo and Blockmans, 15 July 2016)

در رابطه با معاهدات و موافقت نامه های ترکیبی وضعیت به این سادگی قابل حل نیست. در این نوع موافقت نامه ها، یک طرف شخص ثالث قرار دارد و طرف دیگر اتحادیه اروپا و دولت های عضو اتحادیه هستند. یعنی فارغ از اینکه طرف ثالث یک دولت یا سازمان باشد یا بیشتر، در طرف دیگر موافقت نامه ۲۹ عضو قرار می گیرند (اتحادیه اروپا و ۲۸ دولت). به موجب حقوق اتحادیه اروپا، این نوع موافقت نامه ها

1-mixed agreements

2-the Treaty on the Functioning of the European Union

3-Territorial application clause



ماهیتی دوجانبه بین اتحادیه و شخص ثالث دارند. این امر توسط دیوان دادگستری اتحادیه اروپا تصدیق شده است. (Court of Justice of the European Union, C-316/91, 1994: para. 29) به زعم دیوان در این نوع موافقت نامه‌ها یک طرف اتحادیه و اعضای آن قرار می‌گیرند و طرف دیگر هر شخص ثالثی اگر طرف منحصر باشد. اما از آنجایی که هر یک از اعضا نیز متعهد به معاهد بوده و در حقیقت از امضاکنندگان آن هستند و آن را در قانونگذاری داخلی خود به تصویب رسانده‌اند، در صورتی که بریتانیا بخواهد از این نوع موافقت نامه‌ها خارج شود بایستی قانون داخلی که به موجب آن موافقت نامه را تصویب نموده است را نسخ کند و وفق مقررات خود موافقت نامه از آن کناره‌گیری کند یا به آن خاتمه دهد. (Miller, 2016: 23)

پس از خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا به رغم ادعاهای طرفداران خروج، به نظر می‌آید که مذاکرات مجدد و انعقاد معاهدات و موافقت نامه‌های جدید برای بریتانیا به آسانی میسر نشود و از این رو این دولت بیشتر به ماندن و حفظ تعهدات قراردادی ترکیبی خود که در لوای اتحادیه اروپا با طرف دیگر منعقد کرده است اقبال داشته باشد.

از سویی دیگر، از دید اتحادیه اروپا که به موضوع نگریسته شود، بریتانیا پس از خروج دیگر حق بهره‌مندی از حقوق و تعهدات موافقت نامه‌ای که تحت لوای اتحادیه منعقد کرده است، ندارد. بنابراین، از این نقطه نظر بریتانیا طرف موافقت نامه محسوب نمی‌شود. بر این اساس، اگر بریتانیا خواهان تداوم روابط قراردادی خود در این موافقت نامه‌های ترکیبی باشد، به نظر می‌رسد جهت رسمی نمودن این ابقا، یک سند حقوقی جدید نظیر یک پروتکل نیاز است که حاکی از این باشد که بریتانیا همچنان از حقوق و تعهداتی که به موجب این موافقت نامه بعنوان عضوی از اتحادیه اروپا داشته است، برخوردار خواهد بود و یا از این پس بعنوان یک طرف ثالث طرف آن عهدنامه محسوب خواهد شد. روشن است که چنین سندی نیازمند تصویب توسط اتحادیه اروپا و همه ۲۷ عضو آن، طرف ثالث و خود بریتانیا می‌باشد (Van der Loo and Blockmans, 15 July 2016) که راهی دشوار را پیش روی بریتانیا قرار می‌دهد.

در کنار این موارد، از سوی دولت‌های ثالث نیز تصور ادعاهایی می‌رود؛ بعنوان مثال، دولت‌های ثالث طرف عهدنامه‌های عمدتاً تجاری و اقتصادی اتحادیه، وقتی متوجه می‌شوند که از حجم بازار قابل انتظارشان ۶۵ میلیون مصرف‌کننده کم شده است، ممکن است ادعای تغییر اوضاع و احوال مطرح کنند و از ادامه تعهدات قراردادی خود سر باز زنند. از دست دادن ناگهانی و یکباره این حجم از بازار هدف می‌تواند اعتراضاتی را در موافقت‌نامه‌های اقتصادی و تجاری در پی داشته باشد.

به طور کلی، بسیار دور از ذهن به نظر می‌رسد که بریتانیا و اتحادیه اروپا برای سامان دادن به روابط قراردادی خود بتوانند به راه حلی جامع و واحد دست یابند که نسبت به همه موافقت‌نامه‌های فی مابین آنها و طرف ثالث قابلیت اعمال داشته باشد. بعلاوه، آنها بایستی در این راه بر حسن نیت و کمک طرف‌های ثالث نیز تکیه کنند و اکنون دشوار است که به قاطعیت بیان شود چه راهی طی خواهد شد. اما آنچه قطعی به نظر می‌رسد این است که هم اتحادیه اروپا و هم بریتانیا بایستی مراقبت ورزند که به راهی نروند که موقعیت کنونی آنها را در عرصه بین‌المللی تضعیف کند.

#### ۴- خروج بریتانیا و تأثیر آن بر نظم سیاسی و سازمانی جهانی

بریتانیا با اقدام به خروج از اتحادیه اروپا بر مبنای رفراندومی با اکثریتی شکننده و ضعیف که نتوانست طیف وسیعی از نخبگان جامعه و متحدان پادشاهی را نظیر شهر لندن، اسکاتلند و ایرلند شمالی با خود همراه کند، در واقع پا به راهی بس پر خطر نهاده که اگر هم پیش‌بینی‌های بین‌المللی مبنی بر منزوی شدن این دولت به حقیقت نپیوندد، اما امکان از هم گسیختگی نظام پادشاهی متحده بریتانیای کبیر را در بطن خود می‌پرورد. کما اینکه پارلمان اسکاتلند طرح انجام دومین رفراندوم استقلال از بریتانیا را در بهار ۲۰۱۹ به تصویب رساند و از طرف دیگر مخالفان در ایرلند شمالی نیز فریادهای جدایی طلبانه خود را سر داده‌اند. که اگر این اتفاقات رخ دهد، پایانی تلخ برای کشوری که روزی بزرگترین امپراطوری جهان با وسعتی بیش از ۳۵ میلیون کیلومتر مربع در سال ۱۹۲۰ بود، رقم خواهد

عموم مخالفان برگزیت، طرفداران آن را به عوام‌گرایی<sup>۱</sup> متهم می‌کنند و مخالفست مردم لندن با برگزیت را گواهی بر این ادعا می‌دانند که احزاب موافق خروج با وعده‌های عوام‌گرایانه و ظاهری جمهوری جمهور عوام را فریفته و آنان را به تصمیمی احساسی کشانده‌اند که متأسفانه نتایج منفی برای بریتانیا و اتحادیه اروپایی خواهد داشت. اگر این ادعا حقیقت داشته باشد، از سوی دیگر باید به حرکتی که در ایالات متحده پدید آمد و در میان بهت جهانیان شخصی از حزب جمهوری خواه به عنوان رئیس جمهور انتخاب شد نیز توجه نمود. این حزب از دیرباز به عوام‌گرایی مشهور بوده است و رئیس جمهور فعلی حزب مزبور نیز بر مبنای شعارهای ساده عوام‌پسندانه و رفتارهایی از این نوع، پیروز انتخابات شد و توانست رأی عامه مردم را در برابر گروه نخبگان به دست آورد. شاید بتوان دلیل سفر ترزا می به واشنگتن به عنوان نخستین مهمان رسمی دونالد ترامپ و دعوت او از وی جهت دیدن از بریتانیا<sup>۲</sup> از یک سو و مقاومت شدید ترزا می در برابر لندنی‌های مخالف سفر ترامپ به بریتانیا،<sup>۳</sup> از دیگر سو، نشانه‌ای از نزدیکی طیف فکری دو حزب حاکم بر دو کشور تلقی کرد. این امر می‌تواند گسترش این نوع تفکر را در جهان رونق دهد و قطعاً رخت بر بستن نخبگان از جرگه حکومت داران ارمغانی ناخوشایند برای صلح جهانی خواهد بود.

فارغ از مقوله گسترش عوام‌گرایی، اتحادیه اروپا که می‌رفت تا با مستحکم‌تر کردن مقررات و قواعد خود حتی از سد مرزهای سیاسی نیز بگذرد و رو به سوی نظامی واحد و قدرتمند (حتی در قالب یک نظام فدرال) قدم بردارد که هیچ نمونه دیگری در جهان نداشت و از سوی دیگر، امید آن می‌رفت که با

1-Populism

2-<http://edition.cnn.com/2017/01/27/politics/theresa-may-donald-trump-state-visit-uk/> (last visited on: 28/05/2018)

3-<https://www.theguardian.com/us-news/2017/jan/30/theresa-may-donald-trump-state-visit-protests-uk-parliament> (last visited on: 28/05/2018)

And: <http://www.express.co.uk/news/uk/761810/donald-trump-uk-state-visit-meet-queen-date-what-will-do-schedule> (last visited on: 28/05/2018)

موفق این اتحادیه، سایر ممالک جهان با الگوبرداری از این نوع اتحاد به انسجامی مشابه دست یابند، که قطعاً این روند و حرکت اتحادیه سازی در جهان، نظم نوین حال و آتی جهانی را به سوی ثبات و صلح فراگیر و پایدار پیش می برد، با خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا وارد یک شوک عظیم شد که دولت ها را هشیار ساخت تا به سادگی از حجم قدرت حاکمیتی خود نگاهند و در سودای بنا کردن یک امپراطوری سازمانی، به محدود سازی حاکمیت خود اقدام نوزند. بنابراین، واقعیت خروج و جدایی بریتانیا از اتحادیه اروپا بعنوان یکی از قدرتمندترین دولت جهان قطعاً دیگر ابرقدرت ها نظیر ایالات متحده و روسیه را خرسند خواهد نمود<sup>۱</sup> که به ضرس قاطع می توان گفت از ظهور و قدرت یافتن نهادهایی چون اتحادیه اروپا چندان خوشنودی نداشته اند. از طرف دیگر، مشخص است که بریتانیا با خروج از اتحادیه اروپا سخت در تلاش است که در جامعه جهانی اعتبار و صلابت پیشین خود را از دست ندهد و بتواند به خوبی بر امکان منزوی شدن فائق آید و قطعاً سفر نخست وزیر بریتانیا به ایالات متحده بعنوان نخستین مهمان کاخ سفید در زمان ریاست جمهوری دونالد ترامپ و همچنین بخشی از دلیل پافشاری نخست وزیر بریتانیا بر مهیا کردن مقدمات سفر رئیس جمهور ایالات متحده به کشور خود نیز همین می باشد.

موضوع دیگر این است که اسکاتلند و ایرلند شمالی بعنوان دولت های محلی تحت حکومت مرکزی لندن هستند در رفراندوم خروج برتانیاز اتحادیه اروپا همسو با حکومت مرکزی نبوده اند. با این توضیح که اکثریت مردم در ایرلند شمالی<sup>۲</sup> و اسکاتلند<sup>۳</sup> به ماندن در اتحادیه اروپا رأی دادند. حال ممکن است بر این اقبال عمومی پافشاری کنند و اجازه ندهند قربانی تصمیمات حکومت مرکزی لندن شوند. همانطور که ترزا می در اعلامیه ۲۹ مارس ۲۰۱۷ خود به شورای اروپایی

۱- دونالد ترامپ در دیداری که با ترزا می در کاخ سفید داشت، خطاب به او گفت: «برگزیت برای کشور شما امری شگفت انگیز خواهد بود».

خبر از منبع زیر:

<http://www.telegraph.co.uk/news/2017/01/27/theresa-may-meets-donald-trump-white-house-live/> (last visited on: 18/08/2018)

۲- ۵۵/۷۸ درصد مردم ایرلند شمالی به ماندن در اتحادیه اروپا رأی دادند.

۳- ۶۲ درصد مردم اسکاتلند به ماندن در اتحادیه اروپا رأی دادند.

اروپا یکی از دلایل اصلی خروج بریتانیا را حق مردم این کشور به تعیین سرنوشت<sup>۱</sup> بیان داشت، این امر می‌تواند از جانب سران حکومت‌های ایرلند شمالی و اسکاتلند نیز مطرح شود و خودمختاری اقتصادی را همچون خودمختاری سیاسی از جمله حق‌های خود بدانند و برای رسیدن به آن تلاش کنند.

هریک از این کشورها ممکن است با برگزاری همه‌پرسی خواهان جدایی از بریتانیای کبیر شود و از این راه هم از حیث سیاسی به خودمختاری برسد و هم از حیث اقتصادی و در نهایت به عضویت اتحادیه اروپا نیز بعنوان دولت‌هایی مستقل درآیند و همانگونه که بخصوص در مورد ایرلند شمالی صادق است، مانند گذشته از مساعدت‌های مالی آن اتحادیه بهره‌مند شوند. در ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۸ دولت اسکاتلند مسأله استقلال از بریتانیای کبیر را به رأی گذاشته بود که در نهایت اکثریت مردم این کشور به جدایی رأی ندادند. اما پارلمان این کشور در ۲۸ مارس ۲۰۱۷ با رأی موافق اکثریت پارلمان انجام دوباره فراندوم برای استقلال از بریتانیا در بهار ۲۰۱۹ را به تصویب رساند.<sup>۲</sup>

علاوه بر اینها، مردمان ایرلند شمالی سنخیت و تشابهات بیشتری از حیث فرهنگی و نژادی و زبانی با مردم جمهوری ایرلند دارند تا مردم انگلستان. و این باعث کشش هر چه بیشتر آنها به سمت جدایی از بریتانیا و چه بسا پیوستن دوباره به جمهوری ایرلند بشود. همانگونه که حزب جدایی طلب<sup>۳</sup> ایرلند شمالی خواهان برگزاری فراندومی برای جدایی از بریتانیا و پیوستن به جمهوری ایرلند در کوتاهترین زمان ممکن شده است و رهبر آن حزب<sup>۴</sup> خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا را یک فاجعه برای ایرلند شمالی خوانده است.<sup>۵</sup>

1-National self-determination

2-<https://www.theguardian.com/politics/2017/mar/28/scottish-parliament-votes-for-second-independence-referendum-nicola-sturgeon> (last visited on: 25/05/2018)

3-Sinn Fein

4-Michelle O'Neill

5-[http://www.independent.co.uk/news/uk/politics/brexit-northern-ireland-referendum-irish-unity-sinn-fein-second-scottish-](http://www.independent.co.uk/news/uk/politics/brexit-northern-ireland-referendum-irish-unity-sinn-fein-second-scottish)

## برآمد

واضح و مبرهن است که خروج بریتانیا از اتحادیه اروپایی بخش های مهمی از حقوق بین الملل را دچار ضعف و کاستی می کند که حتی همکاری های بعدی این دو نیز نمی تواند به خوبی جبران کننده نقیصه مزبور باشد. مانند برخی تعهدات و الزامات حقوق بشری و مقوله های حمایت از محیط زیست و برخی حقوق اجتماعی و شهروندی. همچنین شاخه هایی از حقوق بین الملل نظیر تعارض قوانین و حل مسائل حقوق بین الملل خصوصی از این پس نیازمند طرح و الگوهای جدید می باشد که بررسی آنها موضوع این مقاله نبود؛ اما بدون شک دچار دگرگونی خواهند شد. بعلاوه، همانطور که دیده شد خروج بریتانیا در زمینه حقوق بین الملل اقتصادی شامل سرمایه گذاری خارجی و حقوق سازمان تجارت جهانی تأثیرات عمده داخلی و بین المللی هم بر بریتانیا و هم بر اتحادیه خواهد داشت که تفصیل آن دیده شد و در نهایت، آنچه این مقاله نسبت به آنها ابراز پیچیدگی نمود، سرنوشت تعهدات قراردادی بریتانیا در کنار اتحادیه اروپا با دولت های ثالث است که به نظر می آید برپایی مجدد این حجم از توافقات و قراردادهای اگر نه محال، که به آسانی میسر نشود.

در خصوص تعهدات زیست محیطی و بخصوص تغییرات اقلیمی به زعم تأثیرپذیری اتحادیه اروپا از خروج بریتانیا، اما زمینه های همکاری همچنان موجود است و این دو می توانند به همکاری خود ادامه دهند. کما اینکه نروژ و ایسلند که عضو اتحادیه نیستند، بخشی از اجرای اهداف نظام تجارت انتشار را دنبال می کنند. اما به هرگونه که امیدوارانه نگریده شده، باز هم، خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، بی گمان، آثار عمده و مهمی بر بخش انرژی هم در داخل بریتانیا و هم در حوزه اتحادیه و همچنین به رویکرد بریتانیا به مقوله تغییرات اقلیمی خواهد گذاشت. (Froggatt, Raines and Tomlinson, 2016: 28)

در پایان، نگارندگان بر این باورند که اگر خروج بریتانیا به کلی تحقق پیدا کند<sup>۱</sup> و این کشور نتواند در خصوص زمینه های همکاری خود با اتحادیه اروپا

۱- در حالی که چند ماهی است بحث نهایی کردن خروج از اتحادیه دوباره داغ شده است هنوز هم برخی حقوق دانان معتقدند که بریتانیا در نهایت نمی تواند اتحادیه اروپا را ترک کند و حتی اگر به لحاظ سازمانی و تشریفاتی این جدایی تحقق پیدا کند، باز هم برای بریتانیا مقدر نخواهد بود که عملاً و بطور مطلق خود را از اتحادیه و قاره اروپا جدا کند. (Macshane, 2017: ix-xxi)

به توافقاتی مثمر ثمر دست یابد، و از طرف دیگر خطر تقسیمات سیاسی بریتانیا و استقلال متحدان آن عملی شود و بریتانیا نتواند از خطر تضعیف و انزوای بین‌المللی میان ابرقدرت‌ها برهد، روزهای نامیمونی را برای نظم جهان و بقای صلح و امنیت بین‌المللی باید به انتظار نشست که در سوی دیگر آن ترک تازی‌های بیشتر ایالات متحده و روسیه در صحنه بین‌المللی خواهد بود.

## منابع

- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۱)، *حقوق بین الملل عمومی، تهران: گنج دانش*.
- موسی زاده، رضا (۱۳۸۸)، *سازمان های بین المللی، تهران: میزان*.
- شیروی، عبدالحسین (۱۳۸۹)، «تجارت انتشار»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۲، صص. ۲۸۵ - ۲۴۷.
- ملت، محمدرضا و عبدالله عابدینی (۱۳۹۶)، «آثار حقوقی بین المللی خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، دوره ۴۷، شماره ۲، صص. ۴۷۹ - ۴۸۹.

## A. Books

- Borchardt, Klaus-Dieter (2010), *The ABC of European Union law*, Brussels: Publications Office of the European Union.
- MacShane, Denis (2017), *Brexit, No Exit: Why (in the End) Britain Won't Leave Europe*, London & New York: I.B.Tauris.

## B. Articles

- Froggatt, Antony (May 2016), "*Thomas Raines and Shane Tomlinson, UK Unplugged? The Impacts of Brexit on Energy and Climate Policy*", Europe Programme & Energy, Environment & Resources Department.
- Convery, Frank J. and Luke Redmond (2007), "*Market and Price Developments in the European Union Emissions Trading Scheme*", Review of Environmental Economics and Policy, Vol. 1, Issue 1, Winter, pp. 88-111
- Messenger, Gregory, (MAY 2nd 2016) "*Brexit and the World Trade Organization*", an online article published by OUP as follow: <http://blog.oup.com/2016/05/brexit-wto-world-trade-organization/>



- Croissant, Guillaume (2017), *Towards the Uncertainties of a Hard Brexit: An Opportunity for International Arbitration*. An online article available at: <http://kluwerarbitrationblog.com/2017/01/27/towards-the-uncertainties-of-a-hard-brex-it-an-opportunity-for-international-arbitration/>
- Van der Loo, Guillaume and Steven Blockmans (15 July 2016), *“The Impact of Brexit on the EU’s International Agreements”*, an online article published by CEPS as follow: <https://www.ceps.eu/publications/impact-brex-it-eu%E2%80%99s-international-agreements>
- Piris, Jean-Claude (2015), *“Should the UK Withdraw From the EU: Legal Aspects and Effects of Possible Options”*, FONDATION ROBERT SCHUMAN / EUROPEAN ISSUES, N°355.
- Lang, Andrew, (2014) *“The Consequences of Brexit: Some Complications From International Law”*, The London School of Economics and Political Science, Policy Briefing series, No. 3
- Lock, Tobias (2016), *“The EU and human rights”*, The Royal Society of Edinburgh.
- Elkerbout, Milan (2016), *“Brexit and climate policy: Political choices will determine the future of EU-UK cooperation”*, Centre for European Policy Studies.
- Peers, Steve (2016), *“Migration, Internal Security and the UK’s EU Membership”*, The Political Quarterly, Vol. 87, No. 2, pp. 248-253.
- Wilding, Peter, *“Stumbling towards the Brexit – EU opinion & policy debates – across languages”*, BlogActiv.eu. Retrieved, 22 July 2016.

- Nicolaidis, Phedon (2013), “*Withdrawal from the European Union: A Typology of Effects*”, 20 MJ 2, pp. 209-219
- De Azevêdo, Roberto (MAY 25, 2016), “*WTO warns on tortuous Brexit trade talks*”, Financial Times.
- Miller, Vaughne (28 March 2016), “*EU External Agreements: EU and UK procedures*”, House of Commons library, Briefing Paper Number CBP 7192.

### C. Instruments

- **International instruments**
- United Nations Framework Convention on Climate Change (UNFCCC), 1992.
- Paris Agreement, 2015. The Paris Agreement entered into force on 4 November 2016
- Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms (European Convention on Human Rights) (ECHR), Rome, 4.XI.1950
- **EU Law**
- Treaty on European Union
- Treaty on the Functioning of the European Union
- Statement by the European Council (Art. 50) on the UK notification, 29/03/2017. Available at: <http://www.consilium.europa.eu/en/press/press-releases/2017/03/29-euco-50-statement-uk-notification/>
- The Charter of Fundamental Rights of the European Union, proclaimed on 7 December 2000 by the European Parliament, the Council of Ministers and the European Commission, the Charter has become legally binding on the EU with the entry into force of the Treaty of Lisbon, on 1 December 2009.

- The Employment Equality Framework Directive 2000/78/EC
- Burden Sharing Agreement (Council Decision 2002/358/EC)
- **The Court of justice Case Law**
- Case C-13/94 P v S and Cornwall County Council, Judgment of the Court of 30 April 1996:170.
- Case C-131/12 Google Spain SL and Google Inc. v Agencia Española de Protección de Datos (AEPD) and Mario Costeja González ECLI:EU:C:2014:317
- European Parliament v. Council, C-316/91, Judgment of Court of Justice of the European Union 2 March 1994
- **British Legislation**
- Treaty of Union was passed by both the English and Scottish parliaments and came into force on 1 May 1707
- Act of Union 1707, passed by the English and Scottish Parliaments in 1707
- The Act of Union, (Jan. 1, 1801), legislative agreement uniting Great Britain (England and Scotland) and Ireland.
- the Human Rights Act 1998 (HRA);The full text is available at: <http://www.legislation.gov.uk/ukpga/1998/42/contents>
- Equality Act 2010;The full text is available at: <http://www.legislation.gov.uk/ukpga/2010/15/introduction>
- The Race Relations Act 1965
- Scotland Act 1998, Section 29: Legislative competence. Available at: <http://www.legislation.gov.uk/ukpga/1998/46>
- the European Communities Act, 1972
- **D. Official Websites**
- Official website of European Union: [http://europa.eu/european-union/eu-law/legal-acts\\_en](http://europa.eu/european-union/eu-law/legal-acts_en)

- <http://eur-lex.europa.eu/legal-content/EN/TXT/?uri=celex%3A12012M%2FTXT>
- [http://consilium.europa.eu/en/press/press-releases/2017/03/pdf/070329\\_UK\\_letter\\_Tusk\\_Art50\\_pdf/](http://consilium.europa.eu/en/press/press-releases/2017/03/pdf/070329_UK_letter_Tusk_Art50_pdf/)
- website of European Law Monitor as follow:<http://www.europeanlawmonitor.org/eu-referendum-topics/the-legislative-impact-of-brexite-on-environmental-protection-in-the-uk.html>
- <http://www.ohchr.org/EN/NewsEvents/Pages/DisplayNews.aspx?NewsID=21132&LangID=E>
- website of european commission: [http://ec.europa.eu/clima/policies/ets\\_en#tab-0-0](http://ec.europa.eu/clima/policies/ets_en#tab-0-0)
- Official website of WTO: [https://www.wto.org/english/thewto\\_e/whatis\\_e/tif\\_e/org6\\_e.htm](https://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/tif_e/org6_e.htm)
- <https://www.theguardian.com/politics/2017/mar/28/scottish-parliament-votes-for-second-independence-referendum-nicola-sturgeon>
- <http://www.independent.co.uk/news/uk/politics/brexit-northern-ireland-referendum-irish-unity-sinn-fein-second-scottish-independence-indyref2-a7628591.html>
- <http://www.telegraph.co.uk/news/2017/01/27/theresa-may-meets-donald-trump-white-house-live/>
- <http://edition.cnn.com/2017/01/27/politics/theresa-may-donald-trump-state-visit-uk/>
- <https://www.theguardian.com/us-news/2017/jan/30/theresa-may-donald-trump-state-visit-protests-uk-parliament>
- And: <http://www.express.co.uk/news/uk/761810/donald-trump-uk-state-visit-meet-queen-date-what-will-do-schedule>

## The Future of International Law in shadow of Brexit

Seyyed Ali Hosseiniyazad

Mahshid Ajeli Lahiji

Majid Zahmatkesh

The UK Finally in pursuance of a referendum at June 2016 made a decision to exit from European Union and announced it to the European Union at the end of march 2017. Undoubtedly the separation of The Britain from EU will have significant political, legal, economical, cultural and social effects on the issues inside the territory of each party, the relationship between them and also between them and other states all over the world. Furthermore, this separation will have great influence on the international order which should be considered unavoidable. This article in order to cover the legal aspects of Brexit, is intended to consider the consequences of Brexit on the international law. It is obvious that the separation will cause remarkable differences in human rights, environmental law, the law of investment and the related issues considering the European common market and commercial contracts. Moreover, Brexit is important as a law-making process since it could change the contractual obligations of The European Union itself and at last it seems that brexit has a significant influence on world community and international law as a whole.

**Keywords:** UK, Brexit, European Union, International law